

شناسایی و تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر اعتلای نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری

محمدجواد یآوری سرتختی*

محمدرضا جباری**

چکیده

نظام آموزشی، برای شکل‌گیری و تداوم، نیازمند مبانی، منابع تولید علم، اهداف، نیازسنجی، برنامه‌ریزی، مدیریت، نیروی انسانی، متون و مراکز آموزشی است. البته، برای عبور از بحران‌ها و رسیدن به دست‌آوردهای نظام آموزشی، این امور به تنهایی کافی نیست، بلکه باید از یک دسته عوامل اصلی و فرعی، سلبی و ایجابی، زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر روند پیشرفت کمی و کیفی نظام آموزشی کمک گرفت. براساس اهمیت موضوع فهم تاریخ علمی امامیه، این پژوهش برای شناخت عوامل مهم، زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست - به دلیل فراز و نشیب فعالیت‌های علمی و آموزشی - صورت گرفت و روشن گردید که عوامل و پیش‌ران‌های اصلی بیشترین سهم را بر شکل‌گیری و تداوم، و عوامل فرعی بیشترین سهم را در توسعه کمی و کیفی نظام آموزشی داشته‌اند. در این میان عوامل سلبی اگرچه مشکلاتی را برای فرآیند آموزش ایجاد کرده‌اند، اما نقش اثرگذاری بر خروج از بحران‌ها داشته‌اند.

واژگان کلیدی

نظام آموزشی، امامیه، پنج قرن نخست، اعتلا و شکوفایی.

javadyavari@yahoo.com

jabbari@qabas.net

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲

*. استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع).

** . دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۳

طرح مسئله

تحقیق درباره نظام آموزشی مسلمانان، کارکردها و نقش آن در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی، مدت‌زمانی است که مورد علاقه محققان اهل تسنن و مستشرقان قرار گرفته است. آنان هیچ‌گاه به‌صورت مستقل به وضعیت نظام آموزشی امامیه و مباحث اصلی آن نپرداخته‌اند و اساساً آن را با نظام عامه یکی می‌دانند. به‌نظر می‌رسد یکی از علل مهم این رویکرد، آن است که امامیه در بسیاری از قرون، حکومت مستقل فراگیری نداشته و از نگاه مخالفان، باورهای امامیه مخالف با تعالیم اسلام بوده و از دیگر سو، جمعیت آنان آن قدر قابل توجه نبوده که بتوان نظام آموزشی مستقلی را برایشان تصور کرد. از این‌رو، اظهارنظر مطلق درباره نظام آموزشی آن دوران، بدون در نظر گرفتن تفکیک بین شیعیان و اهل‌تسنن، انگیزه‌ای گردیده تا برخی تصور کنند، شیعه هیچ‌گونه نقش تمدنی نداشته یا نقش آنان کم‌رنگ است^۱ و به گفته منیرالدین احمد: «این حقیقت است که - کتاب - تاریخ بغداد، در عمل، بسیاری از دانشمندان شیعه را نادیده گرفته است.»^۲ این اتهامات از گذشته تاکنون مطرح بوده و شیعیان در هر دوره در مقام پاسخ برآمده‌اند، لذا امامیه، برای اثبات هویت و حیات خود، فعالیت‌های مختلف آموزشی انجام داده است تا بتواند از موانع پیش‌رو عبور کند. گرچه در برخی از دوره‌ها به‌دلیل وجود مشکلات، روند کمی و کیفی آن تحت‌الشعاع قرار گرفته است؛ اما مجموعه‌ای از عوامل اصلی و فرعی بر شکل‌گیری و پیشرفت آن تأثیرگذار بوده‌اند. اکنون برای شناخت جامع این امور، باید به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل تأثیرگذار بر روند کمی و کیفی یا اعتلای نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری کدامند؟

روش پژوهش

گزاره‌های تاریخی و حدیثی پیرامون وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌های علمی و آموزشی امامیه و بحران‌های پیش روی آنان، این پژوهش را برآن داشت تا با روش توصیفی و مبتنی بر مطالعات نظام آموزشی، گزارش‌های متناسب را رصد و بعد از شناسایی، به تحلیل رابطه عوامل تأثیرگذار با فرآیند و برآیند فعالیت‌های نظام آموزشی امامیه بپردازد تا راستی‌آزمایی صورت گیرد.

الف) بحران‌های فرهنگی و اجتماعی پیش‌روی شیعه

قبل از پرداختن به عوامل تأثیرگذار بر روند کمی و کیفی پیشرفت نظام آموزشی امامیه، طرح موانع و

۱. مفید، *المسائل الصاغانية*، ص ۴۱؛ نجاشی، *الرجال*، ص ۴۳؛ ولایتی، *شیعه‌شناسی*، شماره ۶، سال دوم، ص ۱۴.

۲. احمد، *نهاد آموزش اسلامی*، ترجمه محمدحسین ساکت، ص ۵۲.

آسیب‌های پیش‌روی آنان ضرورت دارد؛ زیرا فهم درست از تاریخ نظام آموزشی امامیه، بستگی به میزان تحدیدها و فرصت‌های موجود در مسیر حرکت آنان دارد.

بعد از رحلت رسول خدا ﷺ، خلفا از نقل و نگارش حدیث نبوی ممانعت کرده و به مبارزه جدی با گسترش تشیع پرداختند. شیعیان نیز گاهی مجبور بودند آثار خود را مخفی کنند. عالمان سنی نیز گاهی از نقل روایات شیعیان ممانعت می‌کردند.^۱ بنابر فرمایش امیرمؤمنان علی علیه السلام، آنان حدود الهی را تعطیل کرده و احکامش را به کار نیستند.^۲ معاویه بن قره می‌گوید: «هفتاد نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کردم که اگر امروز شما را ببینند، هیچ رفتار شما را جز اذان تأیید نمی‌کنند.»^۳ به تعبیر ابن‌خلدون، بنی‌امیه و بنی‌عباس با پرداختن به امور سیاسی، دین را فراموش کردند.^۴

به نظر می‌رسد که افزون‌بر نقش مکتب خلفا در مبارزه همه جانبه با نشر آموزه‌های شیعی،^۵ جلوگیری از حضور شیعه در نزد امام خویش برای پرسش سؤالات دینی،^۶ نبودن حکومت مستقل فراگیر شیعی، عدم دسترسی آسان شیعه به تعداد کثیری از منابع، نداشتن مراکز مستقل آموزشی، پراکندگی جمعیتی، گستردگی فعالیت‌ها و کمبود نیروی انسانی کارآمد و فعالیت‌های غالیان، از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های پیش‌روی شیعیان بوده است. به‌عنوان نمونه، قادر عباسی در سال ۴۰۸ ق به محمد سبکتکین دستور داد که مذهب تسنن را در خراسان ترویج کند. وی شیعیان و معتزله را از برگزاری کرسی درس کلام و مناظرات علمی منع کرد و معتقد بود، باید آنان توبه کنند. او گروهی از شیعیان را تبعید و دستور به لعن آنان در منابر داد.^۷ همچنین ابن‌جوزی می‌نویسد: «در سال ۴۶۰ ق حاکم عباسی گفت: لعنت خدا بر رافضه باد که همگی کافرند. گویند، هر که آنان را کافر نداند خود کافر است و ابن‌فورک برخاست و اهل بدعت را لعن کرد.»^۸ همچنین برخی از دانشمندان شیعه از تدریس در مدارس نظامیه منع می‌شدند یا مورد بی‌احترامی عالمان سنی قرار می‌گرفتند.^۹ کثیری از دانشمندان شیعه زندانی گشته و محل تدریس

۱. نیشابوری، *الصحيح*، ج ۱، ص ۱۵.

۲. سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه: ۱۹۲، ص ۲۹۹.

۳. ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۵۹، ص ۲۶۹.

۴. ابن‌خلدون، *دیوان المبتدأ والخیر*، ج ۱، ص ۱۹۱.

۵. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۸، ص ۱۷.

۶. قطب راوندی، *الخرائج و الجرائح*، ج ۲، ص ۶۴۲.

۷. حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۳، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۵، ص ۱۲۵.

۸. ابن‌جوزی، *المنتظم*، ج ۱۶، ص ۱۰۶.

۹. حموی، *معجم الادباء*، ج ۱۵، ص ۶۷؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۰، ص ۳۸۱.

شیخ طوسی مورد هجوم قرار گرفت^۱ و نتیجه آن گردید که بخشی از میراث مکتوب شیعه از بین رفت یا به نگارش درنیامد. چنان که محمد بن ابی عمیر به زندان افتاد، اموالش به غارت رفت و کتابهایش را که چهل عدد بود، بردند.^۲ بنابراین، موانع و مشکلات، اگرچه روند فعالیت‌های آموزشی شیعه را با مشکلاتی مواجه می‌کرد؛ اما بستری بود تا به جریان تولید علم و آموزش دین در دوره‌های پسین کمک کند، تا جایی که تأثیرات شگرفی را بر نظام آموزشی اسلام گذاشت و اهل سنت نیز از آن بی‌بهره نبودند.

ب) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پیشرفت نظام آموزشی

عوامل یا پیش‌ران‌ها، یکی از مؤلفه‌های بررسی کارآمدی نظام آموزشی است. عوامل، عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند. بدون وجود نیروهای پیش‌ران، هیچ راهی برای شروع تفکر از طریق سناریوها وجود ندارد. بنابراین، شناخت عوامل ما را در تجزیه و تحلیل یک دوره تاریخی و فهم نشانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، اصلی و فرعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری گونه‌های مختلف فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند.

یک. عوامل اصلی

در میان عوامل تأثیرگذار بر اعتلای نظام آموزشی، برخی عوامل، اصلی و برخی فرعی هستند که به داخلی و خارجی، و ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. تفکیک این موارد نیز به مطلوب بودن نظام بحث کمک می‌کند، اما به دلیل گسترده شدن آن، تنها به تقسیم‌بندی آنها در قالب اصلی و فرعی اکتفا می‌گردد. هدف اصلی از بیان عوامل تأثیرگذار، تبیین وجود نظام آموزشی امامیه مبتنی بر ساختار (مبانی، مؤلفه‌ها، عناصر و ویژگی‌ها) و ماندگاری و حرکت آن است. به نظر می‌رسد، پیدایی مذهب تشیع با تکیه بر مبانی خاصی - از جمله امامت الهی - علم و عصمت امام، آموزشی بودن تعالیم مذهب و ضرورت فراگیری تعالیم شیعی از عوامل اصلی؛ و پراکندگی جمعیت، وضعیت سیاسی و اجتماعی، برخورداری از منابع مالی، نقش دانشمندان و حمایت دولت‌های شیعه از شیعیان، از عوامل فرعی رشد کمی و کیفی نظام آموزشی و تأثیرگذار بر استقلال آن هستند.

۱. اسلام ناب و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام

امامیه در اصطلاح، گروهی هستند که اعتقاد به امامت منصوب و بلافصل امیرمؤمنان علیه‌السلام و اطاعت از

۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۶.

۲. حلی، الرجال، ص ۲۸۸.

ایشان را واجب می‌دانند. به باور آنان، ائمه اطهار علیهم‌السلام حجت خدا در میان مردم بوده، مشروعیت الهی داشته و استحقاق ریاست بر امت اسلامی را دارند^۱ و قوام دین و دنیا به وجود آنان در روی زمین است.^۲ وظیفه آنان اجرای حدود الهی، حراست از شریعت، هدایت و تأدیب مردم است^۳ و به سفارش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید به همه دستوره‌های آنان به دلیل مطلوبیت ذاتی، عمل شود تا انسان گمراه نگردد.^۴ برپایه همین اندیشه، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند: «حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن، نیکوخواهی، تعلیم و تأدیب شما است تا جاهل نمانید.»^۵ همچنین فرمودند: «والی نباید در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید؛ زیرا فروگذاری سنت، امت را به هلاکت می‌اندازد.»^۶ نتیجه چنین اندیشه‌ای آن است که شیعیان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، تنها از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام اطاعت می‌کنند. این اطاعت‌پذیری نیز، زمینه شکل‌گیری نظام آموزشی امامیه را در پی داشت. به عبارت دیگر، موتور محرک نظام علمی و آموزشی در تاریخ تشیع، پیروی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود و از طریق آن حیات و هویت شیعه حفظ گردید، ضمن اینکه مجموعه فعالیت‌های آموزشی شیعه نیز از همان آغاز توسط اهل بیت علیهم‌السلام نهادینه گردید.

تبیین آموزه‌ها و دفاع از مذهب، مهم‌ترین پیش‌ران در تعالی نظام آموزشی امامیه بود؛ زیرا اهمیت شیعیان به دریافت، نشر و عمل به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، بیان‌گر میزان معرفت آنان و جایگاه معنوی این دانش بود.^۷ این جایگاه، عده‌ای از آنان را واداشت تا هر ساله برای کسب علم، به مدینه^۸ یا دیگر مراکز علمی مهاجرت کرده و ضمن استماع، دفترهای حدیثی تهیه کنند.^۹ شیعیان علاوه بر دفاع از مذهب، باید به انتقال آموزه‌ها نیز می‌پرداختند. بنابراین، آنان بخش عمده‌ای از فعالیت خود را به این امر اختصاص دادند و گونه‌های مختلفی از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی همانند مناظرات درون و برون مذهبی^{۱۰} و ردیه‌نگاری را آغاز نمودند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۵ - ۱۷۲؛ مفید، مسائل العکبریه، ص ۴۷ - ۴۶.

۲. ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۸؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳. مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۹۹.

۶. همان، خطبه ۳۰۳ و ۱۳۱، ص ۳۳۳.

۷. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۶.

۸. نجاشی، الرجال، ص ۲۸۳.

۹. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۷۴.

۱۰. ابن خلدون، دیوان المبتدأ و الخیر، ج ۱، ص ۵۷۹، ج ۲، ص ۹۳۰.

بیان گردید که از اقدامات جدی مکتب خلفا - علاوه بر ممانعت از ترویج عقاید شیعیان و طرح شبهات - نگارش کتاب در نقد باورهای شیعه بود. به عنوان نمونه می توان به کتاب *الردّ علی الرافضة* نگاشته عبدالله بن یزید اباضی از بزرگان خوارج و کتابهای *المسترشد فی الامامه و تقض المستثبت* نگاشته ابوالقاسم بلخی اشاره کرد.^۱ تحت تأثیر این فعالیت های آموزشی مکتب خلفا، برخی از شیعیان ایران و عراق - در دوره امام سجاده علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام - احکام شرعی خود را نمی دانستند^۲ و گاهی تحت تأثیر تعلیمات عامه، گرایش به برخی موضوعات کلامی یا روش های استنباط غیر شیعی پیدا می کردند. بر همین اساس شیعه را متهم می کردند که دارای نقش علمی نبوده و مواد آموزشی خود را از دیگران اخذ کرده است.^۳

این روند شیعیان را دچار آسیب می کرد و ضرورت یک جهاد علمی برای دفاع از باورهای شیعه و بطلان عقاید انحرافی را می طلبید. لذا شیعیان با درک و شناخت انحرافات و آسیب ها، به رصد آموزه های مخالفان پرداخته و با تجزیه و تحلیل آنها، خود را مجهز به سلاح علم کردند تا بتوانند از تشیع دفاع کنند. به عنوان نمونه هشام بن حکم، زراره و عبدالرحمن بن حجاج آگاهی زیادی درباره آرا و روش های استدلال فقهی اهل تسنن داشتند. امام صادق علیه السلام گاهی از آنان دیدگاه های فقهی مردم عراق را می پرسید و عبدالرحمن را برای اثبات بطلان روش قیاس در مکتب عامه فرامی خواند.^۴

هشام بن حکم می گوید: «من در منا از امام صادق علیه السلام ۵۰۰ سؤال از علم کلام پرسیدم و گفتم که آنان (عامه) چنین می گویند و امام در مورد هر مسئله می فرمودند: تو هم این گونه پاسخ بده.»^۵ نیز امام کاظم علیه السلام فرمودند: «به هشام بن حکم بگویند چیزی درباره باورهای قدریه - و نقد آن - بنویسد و برای من بفرستد. هشام آن را نوشت و خدمت امام عرضه کرد و امام فرمودند: همه چیز در آن آمده است.»^۶ نتیجه این تلاش ها - افزون بر عبور شیعیان از بحران ها - زمینه سازی تشیع برخی از مخالفان بود. چنان که ابو خالد کابلی و قاسم بن عوف از درس محمد بن حنفیه جدا شده و به همراه برخی از خاندان اعین از جمله عبدالملک و حُمران^۷ به تشیع پیوسته و به محضر امام سجاده علیه السلام رسیدند.^۸

۱. نجاشی، *الرجال*، ص ۳۷۶؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۳۳.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۰؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۳۸.*

۳. مفید، *المسائل الصاغانية*، ص ۴۱؛ نجاشی، *الرجال*، ص ۳.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۱۰؛ ج ۷، ص ۲۷ - ۲۶ و ص ۲۸۰.

۵. صفار، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۱۲۳.

۶. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۵۴۳.

۷. ابو غالب زُراری، *رسالة ابی غالب الزراری*، ص ۱۱۳، ۱۳۵.

۸. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۳۳۹.

در قرن چهارم، اتهامات و شبهاتی همانند نفی مهدویت، عدم برخورداری امامیه از نقش تمدنی و وابستگی علمی آنان به دیگران، از عوامل مهمی بود که شیعیان را واداشت تا به تبیین درست باورها، حفظ هویت مذهب تشیع و تمایز آن از دیگر فرقه‌های اسلامی بپردازند.^۱ تدوین متون آموزشی، کنترل، ارزیابی و عرضه آموزه‌ها بر امام معصوم، برگزاری کرسی‌های درس - مانند: تفسیر، حدیث، فقه، کلام و تاریخ - مناظره و ردیه‌نویسی، بخشی از نتایج دفاع - آموزشی و علمی - از مذهب بود؛ زیرا طرح سؤال و شبهات از سوی مخالفان، زمینه‌ای گردید تا دانشمندان اقدامات آموزشی خود را فعالانه انجام دهند. چنان‌که برخی از عالمان به نگارش و تدریس کتاب‌هایی با عنوان *الغیبه* در دفاع از مهدویت پرداختند.^۲ همچنین هشام بن حکم کتاب‌های *الردّ علی المعتزله* و *الردّ علی من قال بامامة المفضول* را در مقابله با نوشته‌های دیگر فرقه‌های اسلامی نگاشت.^۳ ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی در تبیین دیدگاه شیعه درباره امامت امیرمؤمنان علیه السلام کتاب *المعرفة* خود را در اصفهان تدریس کرد.^۴ شیخ مفید نیز افزون بر تدریس علم کلام امامیه و مناظره با مخالفان، کتاب *أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات* را در تفکیک باورهای شیعه از دیگران نگاشت.^۵

۲. مدیریت و علم امامت

امامیه با تکیه بر ادله عقلی^۶ و نقلی^۷ براین باورند که مدیریت نظام آموزشی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله برعهده امام معصوم و پس از ایشان بر عهده کسی است که افزون بر توان مدیریتی و صالح بودن، آگاهی (علم) بیشتری به دین و سازوکار انتقال آن به فراگیران داشته باشد.^۸ امام، معلم و مربی مردم در امور تربیتی است.^۹ چنان‌که، امیرمؤمنان علی علیه السلام در خصوص شرح وظایف حاکم اسلامی، آموزش و پرورش مردم را اصلی‌ترین حقوق مردم بر حاکم اسلامی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «مردم، من را

۱. ر.ک. مقدمه، کلینی، *الکافی*، ص ۹ - ۱.

۲. نجاشی، *الرجال*، ص ۳۸۳.

۳. همان، ص ۴۳۳؛ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۵۹.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۶. مفید، *الانصاح فی الامامة*، ص ۲۳۹.

۷. ابن بابویه قمی، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۶۱۱.

۸. سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه: ۱۷۳، ص ۲۴۸.

۹. مفید، *أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، ص ۶۵؛ همو، *النکت الاعتقادیة*، ص ۵۳.

بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن، نیکوخواهی و تعلیم دادن شما است تا جاهل ننماید؛ تأدیب شما است تا بیاموزید و بر طبق آن رفتار کنید.^۱ «امام و حاکم اسلامی موظف است تا معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.»^۲ «والی نباید در بیان احکام و حدودالهی توقف نماید و نه کسی باشد که سنت را فرو می‌گذارد، تا امت را به هلاکت اندازد.» «هرآینه، برعهده امام است، آنچه را خداوند به او فرمان داده به جا آورد؛ چون رساندن مواعظ، سعی در نیکوخواهی، احیای سنت پیامبر ﷺ و اقامه حدود خدا برعهده کسانی است که سزاوار آن هستند.»^۳

اهل بیت ﷺ به‌عنوان مدیران نظام آموزشی، وظیفه دارند با ساماندهی والیان و با بهره‌گیری از تمام امکانات و ابزارهای موجود، مردم را تعلیم دهند. براین اساس، امیرمؤمنان علی ﷺ در هنگام خلافت، خطاب به قیس بن سعد در آذربایجان،^۴ قثم بن عباس^۵ در مکه و دیگر والیان تأکید می‌کند که آموزش دین و معارف الهی به مردم، وظیفه آنان بوده و از آن کوتاهی نکنند. لذا برخی از صحابه مجموعه‌ای از فتاوی علی ﷺ در باب دیات را می‌نگاشتند؛ امام نیز آنها را برای کارگزارانش ارسال کرد.^۶ همچنین در هنگام بحران‌های علمی، شیعیان مناطق دوردست را به فقیهان برجسته ارجاع می‌دادند.^۷

در عصر غیبت نیز عالمان شیعه متولیان یا کارگزاران مراکز و مکان‌های علمی بودند؛ لذا از احمد بن محمد بن عیسی اشعری، شیخ صدوق، ابوسهل نوبختی، شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی به‌عنوان مرجع و زعیم، رئیس مدارس و عالم شیعه یاد شده است.^۸ بنا بر گزارش ابن‌خلکان (م ۶۸۱ ق)، سید مرتضی در عصر خود پیشوای دانشمندان عراق - اعم از سنی و شیعه - شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود به او پناه می‌بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می‌گردید.^۹

علم امام، بیش‌ترین نقش را در توجه مردم برای کسب علم، توسعه علوم و رشد نظام آموزشی امامیه

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه: ۳۴، ص ۹۹.

۲. تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۹.

۳. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۳۱، ص ۳۰۳؛ ممان، خطبه: ۱۰۹، ص ۲۳۳.

۴. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. سید رضی، نهج‌البلاغه، نامه: ۶۷، ص ۴۵۸.

۶. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۳۰.

۷. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۶۸.

۸. طوسی، فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۳۱۴؛ ثعالبی، یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر، ج ۵، ص ۶۹.

۹. ابن‌خلکان، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۳، ص ۳۱۴؛ ذهبی، العبر فی خیر من غیر، ج ۳، ص ۱۱۴.

داشت. زیرا از منظر امامیه، ائمه اطهار^{علیهم السلام} عالم به علم دین از جمله فقه، کلام، سیاست^۱ و شریعت بوده و می‌توانند قرآن را تفسیر و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کنند، تا جامعه دچار تحیر نشود.^۲ همچنین آنان در تولید علم نقش تأسیسی دارند.^۳ نیز قابل ذکر است که امامان شیعه^{علیهم السلام} ضمن کنترل، نظارت و ارزیابی محتوای آموزشی جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد، در مسجد و منزل نیز به تدریس می‌پرداختند^۴ و شیعیان و دیگر مذاهب را به آموختن دانش خویش تشویق می‌کردند. چنان‌که امام صادق^{علیه السلام} فرمودند: «هرکس به قصد آموختن فقه، قرآن و تفسیر به سوی ما بیاید، به او اجازه دهید بر ما وارد شود.»^۵ «با بهره‌گیری از سخن من، با مردم احتجاج کنید؛ پس اگر با شما احتجاج کردند، من مورد احتجاج هستم و نه شما.»^۶ نیز خطاب به سلمه بن کُهیل و حکم بن عتیبه - از علمای اهل سنت - فرمودند: «به شوق و غرب عالم بروید، جز علم ما، علم صحیحی نمی‌یابید.»^۷

علم الهی ائمه^{علیهم السلام} زمینه‌ای بود تا شیعیان با تکیه بر آن به نیازهای فردی و اجتماعی و سؤالات و شبهات موجود پاسخ داده و خود را از دیگران متمایز کنند. به‌عنوان نمونه حُمران بن اعین و قیس بن ماصر از جمله کسانی بودند که دانش کلام را از امام سجاده^{علیه السلام} آموخته^۸ و با تکیه بر آن با مخالفان مناظره می‌کردند و شیعیانی چون هشام بن حکم برای حل شبهات و مسائل کلامی به امام کاظم^{علیه السلام} مراجعه کردند.^۹ همچنین نتیجه روی‌آوری شیعیان به علم امام، تقویت بنیه علمی و تربیت شاگردان برجسته و متخصص در حوزه‌های مختلف دین بود.^{۱۰}

از دیگر آثار علم امامان شیعه^{علیهم السلام} - افزون بر بیان روش‌های آموزشی و مخالفت با روش‌های استنباطی از مکتب خلفا از جمله قیاس و استحسان که در نظام آموزشی جاری بود - تربیت شاگردان متخصص، تدوین جوامع حدیثی و فعالیت کرسی‌های درس شیعی بود. چنان‌که ابوحمزه ثمالی نقل می‌کند که:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱، ۲۲۳، ۲۰۲، ۱۷۰، ۱۶۹.

۲. مفید، المقنعة، ص ۳۲؛ همو، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۳. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۰؛ سید مرتضی، الفصول المختاره، ص ۹۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۷۰، ج ۸، ص ۷۲.

۵. مفید، الامالی، ص ۱۲.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹، ج ۳، ص ۵؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۹.

۷. ابوغالغ زراری، رسالة ابی‌غالب الزراری، ص ۱۱۳.

۸. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۶۴.

۹. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۰. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۴.

«مردی - عثمانی مذهب - به نام قُتاده بن نَعَمَه از فقهای بصره خدمت امام باقر علیه السلام رسید و قصد داشت حدود چهل سؤال از وی بپرسد. امام نیز به پرسش‌های وی پاسخ داد.»^۱ نیز شریک بن عبدالله - قاضی کوفه^۲ - ابوحنیفه و ابن‌ابی‌لیلا در پی ناتوانی از پاسخ به مسائل علمی، به شیعیانی چون محمد بن مسلم^۳ مراجعه می‌کردند. بنابر گزارش ابن‌حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق): «مردم به‌اندازه‌ای علم از امام صادق علیه السلام نقل کردند که به سبب آن، کاروان‌ها راه افتادند و شهرتش در تمام سرزمین‌ها پیچیده و عالمان بزرگی همانند یحیی بن سعید، ابن‌جریح، مالک بن انس، سُفیان ثوری، سُفیان بن عُیَیْنَه، ابوحنیفه، ابن‌شعبه و ایوب سَخَیْانی از او نقل حدیث کرده‌اند».^۴

۳. ارزش دانش‌اندوزی

یکی از انگیزه‌های اصلی کسب دانش، فریضه بودن آن و جایگاهی است که دین برای عالم و یادگیری علم قرار داده است. سفارش اسلام به یادگیری علم از کودکی و تکریم دانشمندان با عنوان امین بر دین و وارثان انبیاء،^۵ نقش بسزایی در تولید و پیشرفت علم و آموزش داشت. دانشمندان شیعه با اهداف ارزشمندی به کسب دانش پرداختند و معتقد بودند که این علم مایه حیات و نجات بشر و زمینه‌ساز تحقق ولایت اهل بیت علیهم السلام است. چنان‌که امام رضا علیه السلام فرمودند: «دانش‌های ما را فراگیرید و به مردم یاد دهید؛ زیرا اگر مردم زیبایی سخن ما را درک کنند، از ما پیروی می‌کنند».^۶

توصیه اهل بیت علیهم السلام به شیعیان در فراگیری علم و تأکید بر نگارش آن، تأثیر بسزایی در باور و رفتار مردم داشت. چنان‌که امام سجاد علیه السلام علاوه بر آنکه دیگران را به یادگیری تشویق می‌کرد، در مسجد مدینه نیز کرسی تدریس داشت.^۷ ایشان روزی در حلقه درسی کنار زید بن اسلم نشست و نافع بن جُبیر بر آن حضرت خرده گرفت که شما آقای مردم هستید، چرا در کنار بنده‌ای می‌نشینید؟ امام پاسخ داد: «علم را از هر کس و هر جایی که می‌توانی فرا بگیر و بخواه».^۸ امام صادق علیه السلام نیز فراگیری علم را

۱. کلینی، الکافی، ج ۶ ص ۲۵۶.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۸۵.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۲۴.

۴. هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶، ج ۶ ص ۴۷.

۶. ابن‌بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.

۷. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۷۲.

۸. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۱، ص ۳۶۹.

به‌خاطر داشتن منافع فراوانی که دارد، امری ضروری شمرد.^۱ در نتیجه این تأکید بر دانش‌اندوزی، مردم احادیث فراوانی را از اهل بیت علیهم‌السلام نقل کرده و آوازه علوم آنان، در اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی پیچید و بسیاری مشتاق شنیدن علوم آنان گشته و به نقل آنها می‌پرداختند.^۲ تاجایی که اهتمام حسن بن محبوب بر تربیت فرزندش به‌حدی بود که جهت ترغیب او در یادگیری، در مقابل هر حدیثی که از علی بن رئاب بشنود و بنویسد، یک درهم می‌پرداخت؛^۳ حتی عده‌ای برای کسب علم به مسافرت می‌پرداختند، تا از این طریق به سؤال‌های علمی و شرعی خود و دیگران پاسخ دهند.^۴ چنان‌که زراره، معاذ بن مسلم کوفی، جمیل بن ذرّاج، جابر بن یزید جعفی، محمد بن مسلم ثقفی خدمت ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده و بعد از فراگیری درس، به برقراری کرسی تدریس در مناطق خود اهتمام می‌ورزیدند. به‌عنوان نمونه، جمیل بن ذرّاج می‌گوید: «ما در مجلس درس زراره، همچون کودکانی در مکتب‌خانه‌ها بودیم که پیرامون معلم خود جمع شده‌اند».^۵

۴. کمال و قوت محتوای آموزشی

مراد از کمال محتوای آموزشی، جامعیت، استحکام، سادگی و جذابیت آن است. محتوای آموزشی آموزه‌های امامیه، به‌دلیل توجه به تمامی نیازها و قدرت پاسخ‌گویی به آنها، مورد اقبال شیعیان و مخالفان آنان قرار می‌گرفت. اتقان و غنای محتوای آموزشی امامیه آن‌چنان بود که هشام بن حکم با محوریت علم امام صادق علیه‌السلام توانست عمرو بن عبّید و ابوالهذیل علاف را در مناظره شکست دهد؛^۶ همچنین باعث شد تا برخی از پیروان مذاهب دیگر به تشیع گرایش یابند.^۷ در عصر غیبت نیز شیخ مفید و شیخ طوسی توانستند ضمن دفاع از مذهب، به نوآوری در علوم بپردازند.^۸ چنان‌که شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) می‌نویسد: «امامیه، با کمک احادیث خود می‌تواند تمام مسائل را استنباط کند».^۹

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱.

۲. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۸۸.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۱.

۴. قطب راوندی، الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۴۲.

۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۶.

۶. ابن بابویه قمی، اعتقادات الامامیه، ص ۴۳؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۰ - ۵۴۹.

۷. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۹؛ ابوغالب زرّاری، رسالة ابی‌غالب الزرّاری، ص ۱۳۰.

۸. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱.

۹. همو، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۶ - ۲.

دو. عوامل فرعی

با بررسی نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست، به نظر می‌رسد که افزون بر عوامل اصلی، چندین عامل فرعی نیز بر روند کمی و کیفی نظام آموزشی تأثیرگذارند. از این رو، لازم است تا این عوامل نیز شناسایی و تبیین تاریخی گردد. این عوامل می‌توانند نقش ایجابی و پیش‌ران - در حضور حداکثری مخاطبان - یا آنکه سلبی و مانع از فعالیت - حداکثری یا حتی حداقلی معلمان و فراگیران - داشته باشند به طوری که از این عوامل سلبی به‌عنوان یک فرصت استفاده شده باشد.

۱. عوامل ایجابی

مراد از عوامل ایجابی، عواملی هستند که محرک شکل‌گیری و تعالی فعالیت‌های علمی - آموزشی و پژوهشی هستند. عواملی که فراگیران را نسبت به فرآیند آموزش و پژوهش جهت داده و تشویق می‌کند تا تمام تلاش خود را در تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت به کار گیرند.

الف) هدفمندی، نیازسنجی و برنامه‌ریزی

امروزه در ارزیابی یک جامعه مطلوب، سالم و رشدیافته، داشتن منابع مادی کافی نیست، بلکه جامعه‌ای مطلوب است که دارای نظام تعلیم و تربیت پویا و هدفمند باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت مبتنی بر منابع، مبانی و اصول محکم، مشخص و الهی، به تعالی انسان و وحدت در درون جامعه کمک می‌کند. نیازهای آموزشی شیعیان تأثیر زیادی بر اولویت‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی داشت به طوری که جامعه شیعه را از رکود و انفعال خارج کرد. اولین اولویت آنان تعیین محور و مواد آموزشی و تبیین مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام بود؛ زیرا نبود مرجعیت منسجم و مستحکم می‌تواند به حذف تدریجی معرفت و باورهای دینی از جامعه بیانجامد. از این رو، پرورش نیروهای دین‌شناس، تهیه متون آموزشی و توسعه مراکز و مکان‌های علمی، در دستور کار امامیه قرار گرفت. به‌عنوان نمونه افزون بر عالمان عصر حضور، شیخ صدوق - به‌عنوان مرجع عصر غیبت - برای رفع تحیر شیعه، چندین رساله فقهی برای مردم خراسان و دیگر مناطق تدوین کرد.^۱ همچنین براساس نیاز علمی جامعه شیعه، کتاب‌های *المسائل* برای پاسخ به نیازهای شیعیان و کتاب‌های

^۲ الغیبه برای رفع بحران ناشی از غیبت امام زمان علیه‌السلام به نگارش درآمد.

دانشمندان امامیه با آغاز منازعات علمی در موضوعات گوناگون و رشد فرقه‌های مذهبی و کلامی، به نیازسنجی پرداخته و فعالیت‌های مختلفی از قبیل تدریس، تبلیغ، اعزام نماینده برای پیگیری مسائل

۱. ابن بابویه، *المقنع*، ص ۵.

۲. نجاشی، *الرجال*، ص ۳۹۲، ۳۷۲، ۱۹۲.

دینی، تألیف کتاب و رساله‌های فقهی، شرح‌نویسی، نسخه‌نویسی، مناظره، ردیه‌نویسی بر علیه فرقه‌ها و مکاتب فکری و ترجمه متن فارسی به عربی، نقد فلسفه یونان، پالایش متون دینی، رصد آثار و دیدگاه‌های فقهی و کلامی اهل سنت و رفع اختلافات حدیثی داشتند^۱ و نتیجه آن چنان شد که ذهبی در این باره می‌نویسد: «گرایش به تشیع در میان پیروان دین دار، پرهیزگار و درستکار زیاد است، اگر احادیثی که آنان از جمله اَبان بن تغلب نقل می‌کنند، پذیرفته نشود، بخش اعظم آثار و احادیث نبوی از بین می‌رود و این مفسده‌ای بزرگ است.»^۲ همچنین بنا بر گزارش ترمذی، اگر تلاش آموزشی جابربن یزید جُعیفی نبود، کوفه بدون حدیث می‌ماند.^۳

ب) ضرورت شناخت و کسب معرفت

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر اعتلای نظام آموزشی، اهمیت و اصالت معرفت و منابع آن (قرآن و سنت) است. به ضرورت عقل و تأکید دین، هر انسانی برای رسیدن به سعادت و نیازهای مادی و معنوی، نیازمند شناخت معارف و معلومات است. چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مقام و منزلت شیعیان را از اندازه نقل حدیث و معرفتی - که نسبت به آن - دارند باید شناخت؛ زیرا معرفت، در حقیقت، همان درک آگاهانه - علوم و مفاهیم - حدیث است و با همین درک آگاهانه محتوای احادیث است که مؤمن به بالاترین پایه‌های ایمان می‌رسد.»^۴

قرآن کریم - در آیه ۱۲۲ سوره توبه که به آیه نَفَر نامیده شده است - تأکید دارد که گروهی از مؤمنان باید تفقه در دین را بپذیرند و بعد از فراگیری به تعلیم مردم بپردازند. شکی نیست که منظور از تفقه در دین، فراگیری همه معارف و احکام اسلام - اعم از اصول و فروع - است؛ زیرا در مفهوم تفقه، همه این امور جمع است. بنابراین، آیه نَفَر دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان باید به تحصیل علوم دینی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل، برای تبلیغ احکام اسلام به میان قوم خود باز گردند و آنان را با مسائل اسلامی آشنا سازند. علاوه بر آموختن، اندیشیدن نیز از دیگر عواملی است که تأثیر بسزایی در توسعه آموزش و پژوهش دارد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اندیشیدن - آدمی را - به کار نیک و انجام دادن آن دعوت می‌کند.»^۵ همچنین امام کاظم علیه السلام در رساله‌ای خطاب به هشام بن حکم،

۱. نجاشی، الرجال، ص ۴۸ و ۸۰؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۳۳، ۳۰۵، ۲۲۵.

۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵.

۳. ترمذی، السنن، ج ۱، ص ۱۳۳.

۴. ابن بابویه، معانی الاخبار، ص ۱.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۵.

به تفصیل درباره عقل و نقش آن در زندگی برای جلوگیری از انحراف، پرداخته‌اند؛^۱ چراکه این عامل شیعیان را بر آن وامی‌داشت تا درباره پدیده‌ها و موضوعات پیرامون، تفکر و پژوهش کنند؛ زیرا در شریعت اسلام پایه‌های مبانی دین بر عقلانیت گزاره‌های دینی استوار است. بنابراین، شیعیان عقل را به‌عنوان ابزاری در خدمت کشف حکم فرعی از اصلی قرار دادند^۲ و بر پایه عقل‌گرایی، افزون بر تولید علم و توسعه دانش کلام و فلسفه، بسیاری از شبهات نیز پاسخ داده شد. چنان‌که حسن بن موسی نوبختی که به استدلال عقلی در تبیین دین توجه داشت، ضمن نگارش آثارش در این زمینه و برقراری کرسی درس فلسفه و کلام، به نقد فلسفه یونان نیز پرداخت.^۳

ج) پراکندگی جمعیتی و نیازهای جامعه شیعه

یکی از عوامل مؤثر بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، رشد و پراکندگی جمعیت است. افزایش و پراکندگی جمعیت، بستر نیازها و تأمین آنها است. شیعیان به دلیل پراکندگی در مناطق مختلف و شرایط سخت دسترسی آنان به مراکز علمی، از آسیب‌ها در امان نبودند، چنان‌که تحت تأثیر تعالیم مخالفان قرار گرفتند. بنابر گزارش امام صادق علیه السلام، شیعیان خراسان در زمان امام باقر علیه السلام احکام حج و احکام حلال و حرام خود را نمی‌دانستند^۴ و بنا بر گزارش ابن‌قیه رازی، شیعیان عصر امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل دوری از امام خویش، نسبت به باورها و احکام دینی خود بی‌توجه و ناآشنا بودند و مخالفان امامیه عقاید انحرافی را به آنان تعلیم می‌دادند.^۵ لذا عدم دسترسی آنان به امام معصوم و آموزه‌های شیعی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری فرقه‌های مختلف و یادگیری آموزه‌های اهل تسنن بود.^۶ چنان‌که عبدالملک بن عتبّه نخعی، درباره مسائل مربوط به معاملات، به فقهای سنی - کوفه یعنی ابو یوسف و ابوحنیفه مراجعه کرده بود.^۷ این وضعیت مورد رصد اهل بیت علیهم السلام و علمای شیعه قرار گرفت. آنان ضمن حضور حداکثری، با انجام اقدامات لازم به پالایش آموزه‌های غلط پرداختند. با آموزش‌های امام باقر علیه السلام شیعیان از سایر مردم بی‌نیاز شدند و پس از آن، مردم به شیعیان نیازمند شدند.^۸ همچنین امام کاظم علیه السلام محتوای آموزشی

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳.

۲. مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۴۹.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۹۲؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۲۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰، ج ۶.

۵. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۱۰.

۶. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۴، ۶۱۶.

۷. همو، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۸۹.

۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰.

شیعیان را تولید و در اختیار کسانی چون سماعه قرار داد. سماعه، در زمره فقهای بزرگ و صاحب تألیفی است. او مسجدی در کوفه داشت و مردم مسائل حلال و حرام، فتوا و احکام دین را از وی اخذ می کردند.^۱ در کنار تولید محتوا، اعزام مبلغ برای رساندن تعالیم شیعی به پیروان نیز در دستور کار اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام ابوجعفر آحول را برای آموزش شیعیان به بصره فرستاد و به وی سفارش کرد تا به جوانان روی آورد که آنان به هر کار خیری شتابان ترند.^۲

یکی دیگر از اقدامات جدی شیعیان، مکاتبه علمی بود. شیعیان مجموعه نیازهای خود را با نامه به محضر اهل بیت علیهم السلام می فرستادند و بعد از دریافت پاسخ، آنها را در قالب کتابهای *المسائل* منتشر می کردند.^۳ از این رو مسائل نگاری، روشی جدید برای ماندگاری میراث مکتوب گردید. سازمان وکالت نیز نقش ارتباطی بین شیعیان و امام را در امر آموزش و هدایت آنان ایفا می کرد. آنان مسائل شیعیان را نزد امام برده و بعد از دریافت پاسخ، به شیعیان می رساندند.^۴ همچنین آنان در پیگیری نیازهای دینی و علمی به تأسیس نهادهای آموزشی پرداختند. چنان که عیاشی خانه خود را مانند مسجد و مدرسه، محل تدریس و تجمع دهها نسخه بردار، مقابله کننده و قاری متن و تعلیقه نویس کرد.^۵

مهاجرت عالمان به مناطق شیعه نشین با هدف تقویت باورهای شیعی، گام دیگر فعالیت علمی آموزشی آنان بود. به عنوان نمونه حسن و حسین بن سعید اهوازی، برای یادگیری حدیث از اهواز راهی قم شده و در همان جا ماندگار شدند. حسین، افزون بر یادگیری حدیث، اجازه نقل کتابهای خود را به قمی ها داد. ابراهیم بن هاشم کوفی نیز به قم مهاجرت کرد و حدیث کوفه را در قم نشر داد.^۶ همچنین طبق گزارش قاضی عبدالجبار، برخی از علمای شیعه در عصر غیبت با مهاجرت به شام، به تبلیغ و آموزش معارف شیعه و گسترش تشیع می پرداختند.^۸ ابن برآج طرابلسی به عنوان شاگرد و نماینده شیخ طوسی به سرزمین شامات رفت و در دارالعلم طرابلس، کرسی درس و منصب قضاوت داشت.^۹ گاهی

۱. همان، ج ۱، ص ۵۷؛ نجاشی، الرجال، ص ۱۹۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۹۳.

۳. نجاشی، الرجال، ص، ۲۲۰، ۱۶۱، ۲۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۳۵۳ - ۳۵۰؛ حلی، الرجال، ص ۳۳۵.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۱۴۹.

۷. نجاشی، الرجال، ص ۱۶.

۸. همدانی، تثبیت دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۹۵.

۹. طرابلسی، المهذب، ج ۱، ص ۳۰.

شیعیان بعد از کسب علم از محضر اهل بیت علیهم السلام با عالمان شیعه، به سرزمین خود بازگشته و کرسی درس برقرار می‌کردند.^۱ آنان برای تهیه متن، سختی راه را تحمل می‌کردند تا به متون آموزشی شیعه دسترسی پیدا کنند. به‌عنوان نمونه، شیعیان خراسان در ایام حج کتاب *التمسک بحبل آل الرسول* علیهم السلام نگاشته ابن‌ابی‌عقیل عُمَانی (قرن ۴) - از فقهای شیعه - را خریداری کرده و به آن عمل می‌کردند.^۲ یا به تدوین کتاب‌های آموزش فقه، اقدام می‌کردند، مانند کتاب *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق که با همین هدف به نگارش درآمد.^۳

د) نقش دانشمندان شیعه

بی‌تردید، همت و کوشش مضاعف دانشمندان، عامل رونق تمدن اسلامی است. در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان، رشد نکرده است؛ زیرا بخش عمده تلاش آنان در ساحت تولید علم بوده است. آنان به‌عنوان پاسداران تمدن اسلامی، با درک شرایط، به جهاد علمی پرداخته و با توسعه کمی و کیفی، به تولید علم کمک شایانی کرده‌اند. این نقش، زمانی دو چندان می‌گردد که آنان افزون‌بر ایده‌پردازی و نیازسنجی، موانع اعتلا و ارتقای علوم انسانی را بررسی و برطرف کنند. تعریف و تجمید ائمه اطهار علیهم السلام از نقش آفرینی دانشمندان شیعه، نشان‌دهنده توجه شایان آنان به وضعیت علمی و آموزشی جامعه است؛ زیرا آنان توانسته‌اند در شرایط سخت، شیعیان را از بحران‌ها عبور دهند. چنان‌که امام صادق علیه السلام از بُرید بن معاویه عَجَلی، ابوبصیر لیث بن بختری، محمد بن مسلم و زُراره با عنوان نجبا و امینان خدا بر حلال و حرام یاد کرده و می‌فرماید: «اگر اینان نبودند، آثار و معالم نبوت به فراموشی سپرده می‌شد یا از بین می‌رفت.»^۴ همچنین بنا بر گفته ترمذی: «اگر جابر بن یزید جُعی نبود، کوفه - که یک مرکز عمده حدیث در قرن دوم هجری بود - از حدیث تهی می‌گردید.»^۵ وی از مشایخ زیادی حدیث شنیده بود، اما بیشتر دانش خود را از امام باقر علیه السلام دریافت کرده بود. اما جابر به‌دلیل خفقان سیاسی و تقیه، هرگز نتوانست تعدادی از آن احادیث را برای هیچ‌کس بازگو کند.^۶

شیعیان با رصد فضای علمی و آموزشی حاکم بر جامعه، خود را در برابر دیدگاه‌های مخالفان قرار

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۶۲.
 ۲. نجاشی، *الرجال*، ص ۴۸.
 ۳. ابن‌بابویه، *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۴ - ۳.
 ۴. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۳۹۸ - ۳۴۵.
 ۵. ترمذی، *السنن*، ج ۱، ص ۱۲۳.
 ۶. بسوی، *المعرفة و التاريخ*، ج ۲، ص ۷۱۵؛ کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۱۷۵.

می‌دادند تا از این طریق به فعال نگه‌داشتن نظام آموزشی امامیه کمک شایانی کنند. به‌عنوان نمونه عبدالرحمن بن حجاج از سوی امام صادق علیه السلام و محمد بن حکیم به دستور امام کاظم علیه السلام مأمور بودند تا در مساجد، دیدگاه‌های مخالفان را رصد کرده و بعد از مشورت با امام معصوم، به پاسخ اندیشه‌های مطرح شده بپردازند. بسیاری از شیعیان نیز، از طریق مکاتبه، مسائل شیعیان را از امامان معصوم پرسش و به شیعیان انتقال می‌دادند، از جمله ثویر بن ابی‌فَاحِته که چهارهزار مسئله از سؤالات شیعیان کوفه را یادداشت کرده بود تا از امام باقر علیه السلام پاسخ آنها را دریافت کند.^۱ شرکت در جلسات مناظره نیز بخشی از فعالیت‌های شیعیان بود تا توان علمی و آموزشی شیعه را به نمایش بگذارند. به‌عنوان نمونه یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام با شرکت در حلقه درس ابوحنیفه، در برابر استدلال‌های وی در موضوعات فقهی ایستادگی کرده و او را از نظر فقهی محکوم کرد.^۲

یکی دیگر از تلاش‌های شیعیان، فراگیری علم به‌صورت تخصصی بود. تخصصی‌شدن علم کمک شایانی به تحولات آموزشی می‌کرد. براین‌اساس امام صادق علیه السلام به تربیت شاگردان متخصص در هر رشته اقدام کرد.^۳ از دیگر آثار تخصصی‌شدن علوم، تربیت نیروی انسانی کارآمد بود. چنان‌که محمد بن عیسی اسدی نقل می‌کند که ما داخل مسجد کوفه بودیم و محمد بن سنان در مسجد می‌گفت: «اگر کسی می‌خواهد درباره مسائل پیچیده اعتقادی سؤال کند نزد من بیاید و اگر می‌خواهد درباره حلال و حرام مسائل فقهی بداند، نزد صفوان بن یحیی برود.»^۴ در عصر غیبت نیز همانند عصر حضور، با توجه به حمایت نسبی امرای شیعه، فرصت مناسبی برای جولان علمی و آموزشی دانشمندان شیعه فراهم گردید. اما تفاوت اساسی این دوره با دوره‌های قبل، نقش حداکثری دانشمندان در تولید و توسعه علوم بود. قدرت و مرجعیت علمی شیخ مفید باعث گردید تا شاگردان وی زیاد باشند.^۵ ایشان در مناطق مختلف از جمله صاغان و ساری نمایندگانی داشت که پیگیر امور دینی شیعیان و عقائد مخالفان بودند^۶ و نتیجه این حضور حداکثری عالمان شیعه آن گردید که: «امامیه - در این دوره - از نظر تعداد و از لحاظ علمی، پرجمعیت‌ترین فرقه شیعه بود. آنان دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقیه و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۸۳ و ص ۷۴۶ - ۷۴۱.

۲. مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۵.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۵۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۷۹۶.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۶. مفید، المسائل الصاغانیة، ص ۱۴؛ همو، المسائل السرویة، ص ۲۹.

اختصاص داده‌اند. اینان سرشناس امامیه، رؤسا و مورد اعتماد در دیانت می‌باشند»^۱.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نخستین عالم شیعه است که با طرح ولایت سیاسی - دینی فقیه، امر تعلیم و تربیت مردم در عصر غیبت را وظیفه فقیه عادل، عاقل، کاردان و اهل فضل و دانش معرفی کرد.^۲ در نتیجه این اندیشه، نقش علمی و آموزشی شیعیان از مرز جزیره‌العرب و عراق گذشت و به مناطقی چون ایران، شامات و ماوراء النهر کشیده شد. با کمک آنان مراکز علمی نوینی تأسیس گردید و کرسی‌های درس و تولید متون درسی، افزایش یافت. می‌توان گفت، اگر در منطقه‌ای چند عالم حضور داشت، جلسات آموزشی نیز فعال بود. به‌عنوان نمونه حسین بن ایشکب فعالیت‌های علمی زیادی را در بلخ داشت.^۳ حوزه علمیه قم نیز قطب علمی ایران به حساب می‌آمد. همچنین بسیاری از دانشمندان شیعه از مراکز علمی آن روز - نظیر قم - رهسپار سمرقند شدند. ابن‌براج (م ۴۸۱ ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) نیز با تأسیس دارالعلم در طرابلس و بغداد، توانستند مراکز آموزشی را از حالت سنتی خود، به مراکز علمی جدید ارتقا داده و نظام آموزشی را فعال نگاه‌دارند.^۴

ه) حکومت‌های شیعی

می‌توان گفت، هیچ تمدنی بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. حکومت، سبب ایجاد فضای امن و مناسب برای شکل‌گیری و رونق تمدن‌ها است. در تاریخ اسلام نیز مشاهده می‌کنیم که هرگاه حکومت‌های اسلامی، دارای اقتدار و جهان اسلام دارای وحدت - اگرچه نسبی - بوده، تمدن اسلامی رو به اوج و شکوفایی نهاده است. حکومت نبوی ﷺ، با برخورداری از بن‌مایه‌های اعتقادی، تمدن اسلامی را تأسیس کرد؛ اما بعد از ایشان، شاهدیم که خلفا با منع نقل و نگارش حدیث و بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز با پرداختن به امور سیاسی، دین را فراموش کردند.^۵ در نتیجه علم و آموزش، تحت تأثیر تصمیمات سیاسی حاکمیت و علمای درباری قرار گرفت و روند فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان، قادر به پاسخ‌گویی نیازهای جامعه نبود. امیرمؤمنان ﷺ در هنگام خلافت، افزون بر اقدامات شخصی، در آموزش دین به مردم، از والیان نیز بهره برد و به آنان تأکید کرد که آموزش دین و معارف الهی به مردم وظیفه آنان بوده و از آن کوتاهی

۱. سیدمرتضی، الفصول المختارة، ص ۳۲۱.

۲. مفید، المنعمه، ص ۶۵۷، ۸۱۰.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۴۵ - ۴۴.

۴. ابن‌عنه، عمدة الطالب، ص ۲۰۶؛ براج طرابلسی، المهذب، ج ۱، ص ۲۴؛ ج ۲، ص ۴۱۹؛ عسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۲۳.

۵. ابن‌خلدون، دیوان المتبدأ و الخیر، ج ۱، ص ۱۹۱.

نکنند. اگر این تلاش‌های علمی و آموزشی علی‌علیه نبود، علوم الهی منتشر نمی‌گردید. ایشان با حمایت از کرسی‌های درس، کادرسازی و تولید مواد آموزشی، رونق دوچندانی به داشته‌های تشیع دادند. دیگر امامان شیعه نیز اگرچه حکومت نداشتند، اما با اعمال ولایت غیرمستقیم و توجه ویژه به نیازهای جامعه، به اعتلای نظام آموزشی، کمک شایانی کردند.

حاکمان، در عصر حضور ادریسیان^۱ و علویان طبرستان، کمک‌های شایانی به تعالی نظام آموزشی از جمله تأسیس مکان‌های آموزشی شیعه کردند. چنان‌که ناصر کبیر (م ۳۰۴ ق) در آمل مدرسه‌ای ساخت که از اطراف جهان، مردم برای یادگیری علوم، به آنجا می‌آمدند و از فقه، حدیث، نظر، شعر و ادب - او - استفاده می‌کردند.^۲ در عصر غیبت نیز حاکمان شیعه با تکریم اهل علم و توجه به ساخت مکان‌های علمی، مقداری از کاستی‌های موجود در روند کمی آموزش را جبران کردند. چنان‌که حاکم بامرالله فاطمی (در سال ۳۹۴ ق) مدرسه‌ای در قاهره تأسیس کرد. وی دستور داد که به انواع دفاتر علوم مشحون گردانند.^۳ همچنین عضدالدوله دیلمی در احترام و حمایت از دانشمندان شیعه از جمله شیخ مفید، کوشا بود^۴ و با حمایت وی وضع علمی جامعه بهبود یافت.^۵ این حمایت تا آنجا بود که علمای شیعه به‌خاطر دفاع از باورهای شیعی مورد توجه حاکمان آل‌بویه قرار گرفتند.^۶

با برقراری آزادی نسبی شیعه در عصر آل‌بویه، این فرصت فراهم گردید تا شیعیان جایگاه علمی و اجتماعی خود را به‌دست آورده و مراکز علمی و آموزشی را در شهرهای مختلف تأسیس کنند یا رونق دهند. سید مرتضی اولین کسی است که منزل خود را دارالعلم قرار داد. در مجلس درس او علمای بزرگی از مذاهب مختلف شرکت می‌کردند و به مناظره و مباحثه می‌پرداختند.^۷ همچنین وزرا و صاحب منصبان آل‌بویه - همانند ابوالفضل بن عمید در شهر ری،^۸ صاحب بن عباد و شاپور بن اردشیر در بغداد^۹ - با

۱. برخی براین باورند که ادریسیان بر مذهب امامیه هستند. برای مطالعه بیشتر ر. ک: دانش‌کده، اندیشه نوین دینی: گرایش

مذهبی ادریسیان، ش ۴۰، سال ۱۳۹۴.

۲. آملی، تاریخ رویان، ص ۱۱۰.

۳. همدانی، جامع التواریخ، ص ۵۵.

۴. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۵. رازی، تجارب الأمم، ج ۶، ص ۴۵۷.

۶. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۲۱.

۷. عسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۲۳.

۸. رازی، تجارب الأمم، ج ۲، ص ۲۲۴.

۹. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۶۶.

ساختن کتابخانه، کمک شایانی به رشد علم و نشاط نظام آموزشی کردند. دولت‌های کوچک شیعی نیز - همانند بنی‌عمار در طرابلس (از سال ۵۰۲ - ۳۵۱ ق) - با تأسیس دارالعلم و حمایت از عالمان شیعه، زمینه رشد و گسترش تشیع و آموزه‌های دینی، علمی و تمدنی را در این سرزمین فراهم کردند.^۱ اگرچه حمدانیان (سال ۳۸۶ - ۳۱۷ ق در موصل و سال ۴۰۶ - ۳۳۳ ق در حلب) چنین نقش‌هایی را به‌طور گسترده ایفا نکردند، اما از عالمان شیعه در تولید منابع و نقش آنان در گسترش تشیع، حمایت کردند. برخی حکومت‌های دیگر نیز - همانند بنی‌حسنویه (۴۰۶ - ۳۴۸ ق) - تنها به ساخت مکان‌های آموزشی همانند مسجد اهتمام داشتند.^۲

(و) منابع مالی

از دیگر عوامل مؤثر بر توسعه و گسترش نظام آموزشی امامیه، منابع مالی است. منابع مالی تضمین‌کننده تداوم کمی و کیفی نظام آموزشی هستند. ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بخشی از حقوق شرعی شیعیان را در راه تعلیم صرف می‌کردند. هدایا و خمس، یکی از مهم‌ترین منابع مالی آنان بود. اهل بیت^{علیهم‌السلام} بر پرداخت این وجوه و نقش آن در حفظ دین تأکید داشتند. چنان‌که امام رضا^{علیه‌السلام} فرمودند: «خمس، کمک بر دین، خاندان و دوستان ما است.»^۳ افزون بر وجوهات شرعی، کمک‌های دولت‌مردان شیعه نیز نظام آموزشی را بهبود بخشید. به‌عنوان نمونه، عضدالدوله برای هر یک از گروه‌های فقیهان، تفسیرگویان، متکلمان، محدثان، نسب‌شناسان، شاعران، نحویان، پزشکان، منجمان، ریاضی‌دانان و مهندسان، جیره‌ای ویژه نهاد. وی در خانه خود برای ویژگان و فیلسوفان، جایی نزدیک جایگاه خود اختصاص داد. ایشان به هر یک از آنان ماهیانه - مبلغی - می‌داد تا این دانش‌ها که مرده بود زنده شد، مردان پراکنده، گرد آمدند و جوانان به آموختن و پیران به آموزش دادن پرداختند. ذوق‌ها به جوش آمد، بازار کساد دانش گرم شد و هزینه سنگین این کارها و نیکوکاری‌های دیگر، همه از بیت‌المال پرداخت می‌گردید.^۴ صاحب بن عباد (م ۳۸۵ ق) نیز هر سال مبلغ ۵۰۰۰ دینار به بغداد می‌فرستاد تا میان فقیهان و ادیبان تقسیم گردد.^۵

یکی از نکات قابل توجه برای تعالی نظام آموزشی در این دوره، توجه به وقف کتاب و مکان‌های

۱. عثمان، تاریخ الشيعة في ساحل بلاد الشام الشمالي، ص ۲۵ - ۲۰.

۲. ابن‌خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر، ج ۴، ص ۶۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

۴. رازی، تجارب الأمم، ج ۶، ص ۴۵۷.

۵. ابن‌جویری، المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۷۶.

علمی و آموزشی به‌عنوان منبع مستمر برای دانشجویان و اهل علم بود. به‌عنوان نمونه صاحب بن عباد افزون بر آنکه اموالی را برای طلاب علوم دینی اختصاص داد، کتاب‌های متنوعی را نیز برای استفاده طلاب و اهل علم وقف نمود.^۱ ابونصر شاپور بن اردشیر (م ۴۵۱ ق) نیز صاحب دارالعلمی بود که در کرخ بغداد آن را بنا کرد و کتاب‌های بسیاری را از مناطق مختلف به آنجا منتقل و برای فقها وقف کرد.^۲ اما بعد از نابودی دارالعلم شاپور، محمد بن هلال صابی آن را در کوچه ابن‌ابی‌عوف بغداد احیاء و دوباره با وقف کتاب، آن را به کتابخانه و محل بحث‌های علمی تبدیل کرد.^۳ خاندان شیعی بنی‌عمار در شامات، از دیگر کسانی هستند که به وقف کتاب در مکان‌های علمی اهتمام ورزیدند.^۴

بخش دیگری از این حمایت‌های مالی توسط دانشمندان شیعه صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه، عیاشی، ثروت پدرش را برای نشر آثار اهل بیت علیهم‌السلام خرج کرد. وی خانه خویش را مانند مسجد یا مدرسه، محل تدریس و تجمع ده‌ها نسخه‌بردار، مقابله‌کننده، قاری متن و تعلیقه‌نویس کرد.^۵ جالب آنکه عیاشی با برپایی دو کلاس عمومی و خصوصی، سعی می‌کرد تا هم عوام و هم خواص شیعه را با آموزه‌های شیعی آشنا سازد.^۶ همچنین سید مرتضی برای شیخ طوسی و قاضی ابن‌برّاج، شهریه‌ای مقرر کرده و درآمد روستایی را نیز وقف کاغذ اهل علم کرد.^۷ محمد بن عمران مرزبانی استاد شیخ مفید نیز پنجاه لحاف و تشک برای آن عده از اهل علم که شب را نزد او می‌ماندند، تهیه کرده بود.^۸

۲. عوامل سلبی

مراد از عوامل سلبی، موانع و مشکلاتی است که در پیش روی شکل‌گیری یا تعالی و حضور حداکثری فراگیران در فرآیند آموزش و پژوهش وجود داشته و شیعیان از این فرصت برای حفظ حیات و هویت استفاده کرده و با انجام فعالیت‌های متناسب، ضمن استفاده از محدودیت‌ها و تهدیدها، خود را از بحران‌های موجود عبور داده‌اند.

۱. قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، ص ۶.

۲. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۳۱۲.

۳. حموی، معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۲۶۷؛ ابن جوزی، المنتظم فی التاريخ الامم و الملوك، ج ۱۴، ص ۳۶۶، ج ۱۶، ص ۶۲.

۴. نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۳۱، ص ۵۱.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۳۵۳ - ۳۵۰.

۶. طوسی، الرجال، ص ۴۴.

۷. ابن عنبه، عمدة الطالب، ص ۲۰۹؛ امین، المدرسة المستنصرية، ص ۹۴؛ مدنی، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، ص ۴۶۰.

۸. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، ج ۱۴، ص ۳۷۲.

الف) سیاست‌های آموزشی خلفا

یکی از زمینه‌های سلبی تأثیرگذار بر رشد کمی و کیفی نظام آموزشی امامیه، سیاست‌های آموزشی مکتب خلفا و حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌عباس بود. منع نگارش سیره و حدیث، حمایت از فقیهان عامه، ترویج و تشویق افکار اهل حدیث و معتزله،^۱ همکاری در تحریف و بدعت‌گذاری، مبارزه با تشیع و ممانعت از انتشار آموزه‌های شیعی، بخشی از سیاست‌های آموزشی آنان بود.^۲ بخش دیگر فعالیت‌های آنان حمایت از آموزه‌های همسو بود؛ چنان‌که از نشر مکتوبات مالک بن انس به‌عنوان متن آموزشی جامعه اسلامی،^۳ حمایت کردند. آنان با حمایت از ابوحنیفه و دیگر فقهای عامه، قصد داشتند، امام صادق علیه السلام را ترور علمی و شخصیتی کرده و از چشم شیعیان بیاندازند.^۴ در دوره‌های بعد، افرادی چون ابن‌باقلانی (م ۴۰۳ ق) با نگارش متون^۵ به ضدیت با شیعه می‌پرداختند و گاهی ناصیبان نیز از تدریس فضائل اهل بیت علیهم السلام یا نگارش و نقل حدیث نبوی ممانعت می‌کردند. بنابر گفته ابن‌شهاب زهری (م ۱۲۴ ق): «خلفا - بعد از برداشته‌شدن منع نگارش - از من خواستند که حدیث بنویسم. پس نوشتم. از خدا شرم می‌کنم که فقط برای خلفا بنویسم و برای دیگران ننویسم».^۶

سیاست‌های آموزشی خلفا، زمینه تغییر احکام دین را فراهم کرد. از آثار این ممانعت و تغییر آموزه‌ها آن بود که اهل سنت نیز آموزه‌های خود را تحریف‌شده یافته یا فراموش می‌کردند. معاویه بن قُرّه می‌گوید: «هفتاد نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کردم که اگر امروز شما را ببینند، هیچ رفتار شما را جز اذان تأیید نمی‌کنند».^۷

یکی دیگر از اقدامات آموزشی خلفا، حمایت از تفکرات کلامی خطرناک معتزله و اشاعره بود. با حمایت مأمون از معتزله، اعتزال رشد یافت و با حمایت متوکل از اهل حدیث، معتزله به‌دنبال بقای خود می‌گشتند؛ تاجایی که بدبینی عموم مردم از معتزله و گسترش مذهب اشعری به‌عنوان اهل سنت در جهان، سبب گردید تا جریان اعتزال تداوم حیات خود را در نزدیک شدن به تشیع بیابد.^۸ سیاست‌های آموزشی

۱. حفظی، تأثیر المعتزلة فی الخوارج و الشيعة، ص ۴۷۳.

۲. بسوی، المعرفة و التاريخ، ج ۲، ص ۷۱۵.

۳. جاحظ، الحيوان، ج ۱، ص ۶۰؛ ذهبی، تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۲۰۹.

۴. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۵۵؛ مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۵، ص ۸۰.

۵. یافعی، مرآة الجنان و عبرة البقطان، ج ۳، ص ۷.

۶. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۷.

۷. ابن‌عبدالبر، جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۷۷.

۸. ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۵۹، ص ۲۶۹؛ مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۲۸، ص ۲۱۳.

۹. حفظی، تأثیر المعتزلة فی الخوارج و الشيعة، ص ۴۷۳.

خلفا بر جامعه شیعه نیز تأثیرگذار بود، تاجایی که امام صادق علیه السلام گاهی شیعیان را به تقیه و همراهی با فقه سنی دعوت می‌کرد.^۱ گاهی برخی از شیعیان در امر نکاح، طلاق و سایر امور دینی، چون حکم آن را نمی‌دانستند و دسترسی به معصومان و عالمان خویش نداشتند، از راه احتیاط در امر دین، از همسر خود کناره گرفته و در ناراحتی به سر می‌بردند، و از این جهت جامعه شیعیان در فشار و سختی قرار داشت.^۲

اهل بیت علیهم السلام و دانشمندان شیعه به‌عنوان مرجع و مدیران نظام آموزشی امامیه، برای عبور از این بحران‌ها، به یک نهضت آموزشی در جهت نشر علوم و گسترش تشیع دست زدند و توانستند آنان را به‌عنوان گروهی اجتماعی، متمایز از دیگر مسلمانان و دارای یک نظام‌واره مشخص اعتقادی و برخوردار از توان علمی در تمامی حوزه‌ها مطرح سازند.^۳ آنان باید به مبارزه با بدعت‌ها، تحریفات و تأثیرات آموزشی مکتب خلفا می‌پرداختند. لذا امام باقر علیه السلام به مبارزه با کسانی پرداخت که تلاش داشتند فقه شیعه و عامه را یکی و این نظر را منطبق با دستورات فقهی امام باقر علیه السلام اعلام کنند.^۴ سیاست‌های آموزشی امام، کاری کرد که شیعیان احکام خود را فراگرفته و از عامه بی‌نیاز شدند.^۵ همچنین یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام با شرکت در حلقه درس ابوحنیفه، در برابر موضوعات فقهی وی ایستادگی کرده و او را از نظر فقهی محکوم کرد.^۶ معاذ بن مسلم، در مسجد کوفه به صدور فتوا می‌نشست و مردم مسائل شرعی خود را از وی می‌پرسیدند. اگر سائل از مخالفین شیعه بود، رأی فقهی آنان را اظهار می‌کرد و اگر از شیعیان بود، طبق فقه امامیه فتوا می‌داد و اگر او را نمی‌شناخت، هم نظریه شیعه و هم رأی مخالفین را اظهار می‌کرد.^۷

اهل بیت علیهم السلام اگرچه با مردم در ارتباط بودند، اما در آن شرایط سخت، برآن شدند تا به تربیت شاگردان برجسته‌ای بپردازند که از طریق آنان به آموزش و تربیت مردم همت گمارند. آنان شاگردان خود را به سمت اجتهاد و بهره‌وری از عقل - به‌عنوان یک ابزار - می‌کشاندند تا در مناطق مختلف جهان اسلام و در عدم دسترسی مردم به پیشوایان دین، به تعلیم و تربیت دینی و سیاسی مردم بپردازند. به‌همین دلیل فقیهانی همانند جمیل بن ذرّاج، زراره، محمد بن مسلم ثقفی و دیگر شاگردان

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۰۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۳۸.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۴.

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۴۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۵۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰.

۶. مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۵.

۷. ابن بابویه، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳۱.

امام صادق علیه السلام، حلقه درس و تألیفات حدیثی داشتند.^۱ ابو خالد کابلی نیز در عصر صادقین علیهم السلام به کوفه منتقل گردید و در آنجا کرسی درس با محوریت تفسیر، اخلاق و تاریخ داشت و در محضر اصبع بن نباته و یحیی بن اُم طویل کسب علم کرده و شاگردانی چون سُدیِر صیرفی، هِشام بن سالم و جمیل بن صالح را تربیت کرد.^۲ همچنین ابن جنید در مناظره با حنفیان خراسان از باورهای شیعی دفاع کرد؛^۳ آنچه سیدمرتضی در خدمت تقویت اسلام و گسترش شریعت، در جواب منکران توحید و رسالت، همچون فلاسفه یونان، زنادقه و براهمه کرده، کسی را قوت نبوده است.^۴ راه کار دیگر، انتقال آموزه‌ها از طریق سازمان وکالت بود. سازمان وکالت نقش ارتباطی بین شیعیان و امام را در امر آموزش و هدایت آنان ایفا می‌کرد. آنان مسائل شیعیان را نزد امام برده و جواب آنها را می‌گرفتند و به شیعیان می‌رساندند.^۵

ب) منع نقل و نگارش حدیث

اگرچه منع از نقل و نگارش علم نبوی ضربه سنگینی به علم و فهم مردم زده و هویت دینی جامعه را دچار بحران کرد؛ اما این امر ناخواسته عاملی سلبی و تأثیرگذار بر روند توسعه کمی و کیفی نظام آموزشی شیعه گردید. طبق نقل منابع اهل سنت،^۶ ابوبکر و عمر در زمان خلافت خود، دستور منع نگارش و نقل حدیث را صادر کرده بودند. این سیاست مدت‌ها ادامه داشت و بعدها با رفع منع نگارش، شیوه تخریب مقام معنوی و علمی ائمه اطهار علیهم السلام در دستور کار قرار گرفت تا مردم از رجوع به آنان خودداری کنند. به‌عنوان نمونه، نسایی می‌نویسد: «ابن عباس خطاب به معاویه گفت: خدایا! اینها را لعنت کن؛ زیرا به‌خاطر دشمنی با علی علیه السلام سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کرده‌اند.»^۷ همچنین ابن شهاب زهری در پاسخ به درخواست خالد بن عبدالله قسری درباره تدوین سیره گفت: «ایناناً در لابه‌لای سیره از علی علیه السلام سخن به میان می‌آید. آیا با وجود این می‌توانیم به این کار پردازیم؟ خالد بن عبدالله گفت: اگر ذکر نام او با آمیزه‌ای از تنقیص و خرده‌گیری باشد، مانعی ندارد».^۸

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶ ص ۲۸۰؛ طوسی، الامالی، ص ۶۲۵.

۳. مفید، المسائل الصاغانية، ص ۵۶.

۴. قزوینی رازی، النقص، ص ۴۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۶. نووی، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۸، ص ۱۲۹؛ ابن منیع، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۴۳.

۷. نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۵۳.

۸. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۲۸۱.

حدیث نبوی ﷺ به عنوان یکی از منابع و محتوای نظام آموزشی اسلام، هویت بخش و نقش آفرین در تولید و توسعه علوم است. از این رو منع نقل و نگارش آن، موجب رکود نظام آموزشی و تولید علم، و کنارگذاشتن عقل و فراموشی قوانین الهی بود. چنان که بیشتر احکام الهی به دست مکتب خلفا تغییر یا تحریف گردید و روش های برداشت از متون تغییر کرد. اجتهاد در مقابل نص، رشد قیاس، استحسان و توجه به اظهار نظرهای غیر علمی رواج یافت. تا آنجا که مردم بصره احکام فقهی را نمی دانستند و عبدالله بن عباس به آموزش احکام پرداخت.^۱ همچنین مردم در قرائت قرآن دچار خطا شده و الفاظ و کلمات آن را درست تلفظ نمی کردند.^۲

در پی فهم پیامدهای چنین اقداماتی، امامیه تلاش کردند تا با بهره گیری از همه توان خویش، به حفظ حدیث نبوی و انتشار آن به عنوان منبع و مواد اصلی آموزش، اهتمام ورزند. از این رو، شیعیانی چون سلمان، ابودر، مقداد، عمار و حضرت زهرا علیها السلام،^۳ با استفاده از موقعیت های مختلف، میراث امامیه را فراگرفته و نقل کردند. به عنوان نمونه می توان به سخنان جناب عمار خطاب به عثمان اشاره کرد: «من با حُجّت سخن می گویم و به سنت پایبندم. معلّم من (علی علیه السلام) این مطالب را به من تعلیم داده و از گزند تو حفظ کرده است.»^۴ همچنین حارث اعور،^۵ اصبح بن نباته و ابو رافع^۶ علاوه بر یادداشت گفته های امیرمؤمنان علیه السلام، کرسی درس داشتند.^۷

در دوره منع، کرسی درس امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام در مسجد نبوی و منزل خویش^۸ و در فضای تقیه، آموزش های امام باقر علیه السلام، شیعیان را از بحران های ناشی از منع نگارش بیرون برد. چنان که امام حسن علیه السلام جلسات منظم و پیوسته ای - صبح و بعدازظهر - برای آموزش و راهنمایی مردم در مسجد مدینه داشت.^۹ شیعیان نیز در دوره ممنوعیت نقل و نگارش، با تأسی به سنت اهل بیت علیهم السلام، به امر آموزش و پژوهش اهتمام داشتند. چنان که جابر بن عبدالله انصاری از فعالان نظام

۱. سجستانی، السنن، ج ۱، ص ۳۶۵؛ ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲. سیدمرتضی، الفصول المختاره، ص ۹۱.

۳. طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۰ - ۹۷.

۴. ابن بکار، الاخبار الموفقیات، ص ۶۰۸؛ مقدسی، البدأ و الناریخ، ج ۵، ص ۱۹۳.

۵. ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۷۱۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۰۹.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۶.

۷. خطیب بغدادی، تفسیر العلم، ص ۹۱.

۸. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۸۲.

۹. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۴۱.

آموزشی امامیه، مجلس درسی در مسجد نبوی داشت و مردم از او دانش می‌آموختند.^۱ قاسم بن محمد بن ابوبکر از شاگردان ابن عباس نیز درباره کیفیت درس وی می‌گوید: «در مجلس درس ابن عباس هرگز باطلی ندیدم و فتوایی را شبیه‌تر به سنت - رسول خدا ﷺ - از فتوای وی ندیدم.»^۲ ابوحمزہ ثُمالی نیز از دیگر مدرسان، مفسران و راویان موثق شیعه و راوی رساله حقوق امام سجاده ﷺ است. او سخنان امام را یادداشت و منتشر می‌کرد.^۳ وی می‌گوید: «به نوشته‌ای برخوردیم که در آن گفتاری از امام سجاده ﷺ درباره زهد بود. آن را نوشتیم و به حضور امام بردم و بر ایشان عرضه کردم. امام آن را شناختند و درستی نوشته و هرچه در آن بود را تأیید کردند.»^۴

نتیجه

قرآن کریم به‌عنوان یک منبع آموزشی، توسط پیامبر اکرم ﷺ به مردم آموزش داده شد. قرار گرفتن سنت نبوی در کنار آن نیز، اهمیت آموزش در اسلام را دوچندان کرد. برای جلوگیری از انحراف و توجه به اجرای منویات دین، نظام امامت الهی ضرورت یافت. اهل بیت ﷺ نیز به پیروان خود سفارش کردند تا برای بقای دین، آموزش و پژوهش را در دستور کار خود قرار دهند. برای رسیدن به این هدف - از آنجاکه سقیفه مسیر حرکت تاریخ سیاسی اسلام را تغییر داد - مذهب تشیع به‌عنوان پیروان مکتب اهل بیت ﷺ و اسلام ناب، نقش بسزایی در شکل‌گیری نظام آموزشی امامیه داشت. نظامی که دارای ساختار، عناصر و ویژگی‌های خاص خود است. در این میان منصوص و عالم به دین بودن امام معصوم و وجوب اطاعت از آنان، بستر تداوم این نظام را برای رسیدن به سعادت فراهم کرد. شرایط سخت سیاسی، کنار گذاشتن اهل بیت ﷺ از صحنه سیاسی و مرجعیت علمی، اگرچه مشکلاتی را ایجاد و روند حرکت نظام آموزشی امامیه را با کندی مواجه کرد؛ اما شیعیان با فهم درست از اهداف آنان و درک شرایط زمان و مکان، با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و فرصت‌های مختلف، به فعالیت پرداختند.

آموزشی بودن محتوای مذهب، مدیریت و علم امام، اعتبار و اتقان منابع، تکلیف‌مداری، تأکید دین بر دانش‌اندوزی از عوامل، مؤلفه‌ها و انگیزه‌های اصلی شکل‌گیری، تداوم و پیشرفت نظام آموزشی و هدفمندی، برنامه‌ریزی، ضرورت شناخت معرفت، کمال و اتقان محتوای آموزشی، پراکندگی جمعیت،

۱. عسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۵۴۷.

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۹۳۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵ - ۱۴، ح ۲.

۴. همان.

نقش حاکمیت سیاسی در زندگی اجتماعی شیعیان، نقش دانشمندان شیعه، حکومت‌های شیعی، منابع مالی و منع نگارش حدیث از مؤلفه‌های فرعی یا پیش‌ران‌های زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر روند کمی و کیفی نظام آموزشی امامیه بودند.

می‌توان گفت، اگرچه شیعیان با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند، اما توانسته‌اند با مدیریت اهل بیت علیهم‌السلام و مرجعیت علما، به بسیاری از اهداف و نیازمندی‌های خود برسند و گستره‌ای از فعالیت‌های مختلف آموزشی از جمله تدریس، پژوهش، نگارش متون آموزشی، بالایش و حراست از آموزه‌ها، مناظره، تأسیس مراکز علمی و تولید علم را انجام دهند. استمرار کیفی و در برخی موارد، پیشرفت علمی و توسعه تمدن نیز به دلیل عنایت مؤلفه‌های فرعی با کمیت حداکثری مواجه بوده است.

منابع و مآخذ

۱. آملی، اولیاء، *تاریخ رویان*، تحقیق منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
۲. ابن‌اثیر، عزالدین علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن‌بابویه، علی بن عبیدالله، *الفهرست*، قم، مرعشی نجفی، ج ۱، ۱۴۲۲ ق.
۴. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *المقنع*، قم، امام مهدی علیه‌السلام، ج ۱، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *علل الشرایع*، قم، داوری، ج ۱، ۱۳۸۵.
۶. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، تهران، جهان، ج ۱، ۱۳۷۸ ق.
۷. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، اسلامیه، ج ۲، ۱۳۹۵ ق.
۸. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۴۰۳ ق.
۹. ابن‌بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ج ۲، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. ابن‌برآج طرابلسی، عبدالعزیز، *المهذب*، قم، جامعه مدرسین، ج ۱، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. ابن‌بکار، زبیر، *الاخبار الموقفیات*، قم، شریف رضی، ج ۱، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۳۹۰ ق.
۱۴. ابن‌حجر هبشی، احمد بن علی، *الصواعق المحرقة*، مصر، مکتبة القاهرة، ج ۲، ۱۳۸۵ ق.
۱۵. ابن‌حزم، علی بن احمد، *الاحکام فی اصول الاحکام*، قاهره، العاصمة، بی‌تا.
۱۶. ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الاسلام*، قم، آل‌البیت علیهم‌السلام، ج ۲، ۱۳۸۵ ق.
۱۷. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *دیوان المبتدأ والخبر*، بیروت، دار الفکر، ج ۲، ۱۴۰۸ ق.

۱۸. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم، *وفیات الأعیان*، بیروت، دار الثقافة، بی تا.
۱۹. ابن داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *السنن*، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. ابن سعد، محمد بن منیع، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۲، ۱۴۱۸ ق.
۲۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ج ۱، ۱۳۷۹ ق.
۲۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *جامع بیان العلم و فضله*، بیروت، دار الکتب، ج ۱، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. ابن عماد حنبلی، عبدالحی، *شذرات الذهب*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ جدید، بی تا.
۲۶. ابن عنبه، احمد بن علی، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، نجف، الحیدریه، ج ۲، ۱۳۸۰ ق.
۲۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، *الفهرست*، بی جا، بی تا.
۲۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، *الآغانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. ابوغالب زراری، احمد بن محمد، *رسالة ابی غالب الزراری*، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۹.
۳۱. احمد، منیرالدین، *نهاد آموزش اسلامی*، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، نگاه معاصر، ج ۱، ۱۳۸۴.
۳۲. امین، حسین، *المدرسة المستنصرية*، عراق، ج ۱، ۱۹۶۰ م.
۳۳. بسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفة و التاريخ*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۲، ۱۴۰۱ ق.
۳۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *كتاب جمل من انساب الأشراف*، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۳۵. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، *السنن*، بیروت، دار الفکر، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الفارات*، تهران، انجمن آثار ملی، ج ۱، ۱۳۵۳.
۳۷. جاحظ، عمرو بن بحر، *الحيوان*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۲، ۱۴۲۴ ق.
۳۸. حفظی، عبداللطیف بن عبدالقادر، *تأثیر المعتزلة فی الخوارج و الشيعة*، جده، دار الاندلس الخضراء، ج ۱، ۱۴۲۰ ق.
۳۹. حلی، حسن بن علی بن داود، *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۴۲.
۴۰. حموی، یاقوت، *معجم الادباء*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۴۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تقید العلم*، بیروت، دار احیاء السنة النبویة، ج ۱، ۱۹۷۴ م.

۴۳. دانش کیا، محمدحسین، اندیشه نوین دینی: گرایش مذهبی ادریسیان، شماره ۴۰، سال ۱۳۹۴.
۴۴. ذهبی، محمد بن أحمد، تذکرة الحفاظ، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۳۷۴ ق.
۴۵. ذهبی، محمد بن أحمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، الرسالة، چ ۹، ۱۴۱۳ ق.
۴۶. ذهبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتدال، بیروت، دار المعرفه، چ ۱، ۱۳۸۲ ق.
۴۷. ذهبی، محمدحسین، العبر، کویت، مطبعة حکومت، چ ۱، ۱۹۶۱ م.
۴۸. سید رضی موسوی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۴۹. سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین، الفصول المختاره، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، مرعشی نجفی، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
۵۱. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد، مرتضی، چ ۱، ۱۴۰۳ ق.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافه، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن، الرجال، قم، جامعه مدرسین، چ ۳، ۱۳۷۳.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، قم، محقق طباطبایی، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
۵۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۵۷. عثمان، هاشم، تاریخ الشيعة فی ساحل بلاد الشام الشمالي، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۵۸. فقیهی، علی اصغر، تاریخ آل بویه، تهران، سمت، چ ۲، ۱۳۸۱.
۵۹. قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقص، تهران، بی نا، چ ۱، ۱۳۵۸.
۶۰. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، امام هادی علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۶۱. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، توس، چ ۱، ۱۳۶۱.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۴ ق.
۶۳. مدنی شیرازی، سید علی خان، الدرجات الرقیعة فی طبقات الشيعة، قم، بصیرتی، چ ۱، ۱۳۹۷ ق.
۶۴. مزنی، جمال الدین یوسف، تهذیب الکمال، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۴، ۱۴۰۶ ق.
۶۵. مسکویه رازی، احمد بن محمد، تجارب الأمم، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۷۹.
۶۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۶۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۶۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل الصاغانیه، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.

۶۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *المسائل العکبرية*، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۷۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *المقننه*، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۷۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *اوائل المقالات*، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۷۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *تصحیح اعتقادات الإمامية*، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
۷۳. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدأ و التاريخ*، تحقیق بور سعید، قاهره، الثقافة الدينية، بی تا.
۷۴. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
۷۵. نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۶ ق.
۷۶. نسائی، احمد بن شعیب، *السنن الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
۷۷. نووی، محی الدین، *صحیح مسلم بشرح النووی*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۷۸. نویری، احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الارب فی فنون الادب*، قاهره، دار الکتب، چ ۱، ۱۴۲۳ ق.
۷۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *الصحیح*، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۸۰. همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، تهران، میراث مکتوب، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.
۸۱. همدانی، عبدالجبار، *تثبیت دلائل النبوة*، قاهره، دار المصطفی، چ ۱، بی تا.
۸۲. ولایتی، علی اکبر، *مجله شیعه شناسی: مصاحبه*، سال دوم، شماره ۶.
۸۳. یافعی، عبدالله بن اسد، *مرآة الجنان و عبرة الیقظان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۸۴. یعقوبی، احمد بن ابی واضح، *التاریخ*، بیروت، دار صادر، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی